

# علم أصول الفقه

٧٩

٩١-٢-١٩ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

• رسول الله

• وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا وَ كَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَ مَسَاوِيهَا إِذْ قُبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا وَ وَطَّئَتْ لِغَيْرِهِ أَكْنَافُهَا وَ فَطِمَ عَنْ رِضَاعِهَا وَ زُوِيَ عَنْ زَخَارِفِهَا

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم عليه السلام

- الرسول الأعظم
- فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرَ ص فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءً لِمَنْ تَعَزَّى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسَى بِنَبِيِّهِ وَ الْمُقْتَصُّ لِأَثَرِهِ قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا أَهْضَمُ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحًا وَ أَخْمَصُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ وَ حَقَّرَ شَيْئًا فَحَقَّرَهُ وَ صَغَّرَ شَيْئًا فَصَغَّرَهُ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِيْنَا إِلَّا حُبُّنَا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ تَعْظِيمُنَا مَا صَغَّرَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ لَكْفَى بِهِ شِقَاقًا لِلَّهِ وَ مُحَادَّةً عَنْ أَمْرِ اللَّهِ

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم عليه السلام

- (۱۹۷۲) تأسّ: أي اقتد.
- (۱۹۷۳) الْقَضْمُ: الأكل بأطراف الأسنان، كأنه لم يتناول إلا على أطراف أسنانه، و لم يملأ منها فمه.
- (۱۹۷۴) أَهْضَمُ: من الهضم: و هو خمص البطن، أي خلوها و انطباقها من الجوع.
- (۱۹۷۵) الْكَشْحُ: ما بين الخاصرة إلى الضلع الخلفي.
- (۱۹۷۶) أَخْمَصُهُمْ: أخلاهم.
- (۱۹۷۷) الْمُحَادَّةُ: المخالفة في عناد.

قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

• وَ لَقَدْ كَانَ صَ يَاكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَجْلِسُ جُلُوسَةً  
 الْعَبْدِ وَ يَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَ يَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَ يَرْكَبُ  
 الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَ يُرْدِفُ خَلْفَهُ

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

• وَ يَكُونُ السُّتْرُ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ يَا فُلَانَةُ لِأَحَدِي أَزْوَاجِهِ غَيْبِهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَّارَهَا

• فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتَهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا وَ لَا يَعْتَقِدَهَا قَرَارًا وَ لَا يَرْجُو فِيهَا مَقَامًا فَأَخْرَجَهَا مِنَ النَّفْسِ وَ أَشْخَصَهَا عَنِ الْقَلْبِ وَ غَيْبَهَا عَنِ الْبَصَرِ - ٢٣٣ وَ كَذَلِكَ مَنْ أَبْغَضَ شَيْئًا أَبْغَضَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ وَ أَنْ يُذْكَرَ عِنْدَهُ

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم عليه السلام

- وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ص مَا يَدُلُّكَ عَلَى مَسَاوِي الدُّنْيَا وَ عُيُوبِهَا إِذْ جَاعَ فِيهَا مَعَ خَاصَّتِهِ وَ زُوِيَتْ عَنْهُ زَخَارِفُهَا مَعَ عَظِيمِ زُلْفَتِهِ فَلْيَنْظُرْ نَاطِرٌ بِعَقْلِهِ أَكْرَمَ اللَّهِ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ أَمْ أَهَانَهُ فَإِنْ قَالَ أَهَانَهُ فَقَدْ كَذَبَ وَ اللَّهُ الْعَظِيمُ بِالْإِفْكِ الْعَظِيمِ وَ إِنْ قَالَ أَكْرَمَهُ فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا لَهُ وَ زَوَّاهَا عَنْ أَقْرَبِ النَّاسِ مِنْهُ

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم عليه السلام

- فَتَأْسَى مُتَأَسِّ بِنَبِيِّهِ وَ اقْتَصَّ أَثْرَهُ وَ وَلَجَ مَوْلِجَهُ وَ إِلَّا فَلَا يَأْمَنُ الْهَلَكَةَ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا صَ عَلِمًا لِلسَّاعَةِ وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ وَ مُنْذِرًا بِالْعُقُوبَةِ خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا خَمِيصًا وَ وَرَدَ الْآخِرَةَ سَلِيمًا لَمْ يَضَعْ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ وَ أَجَابَ دَاعِيَ رَبِّهِ
- فَمَا أَكْبَرُ مَنَّةَ اللَّهِ عِنْدَنَا حِينَ أَنْعَمَ عَلَيْنَا بِهِ سَلَفًا نَتَّبِعُهُ وَ قَائِدًا نَطَأُ عَقْبَهُ وَ اللَّهُ لَقَدْ رَقَّعَتْ مُدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا وَ لَقَدْ قَالَ لِي قَائِلٌ أَلَا تَتَبَذُّهَا عَنْكَ فَقُلْتُ [اعزب] اغرب عني فعند الصباح يحمد القوم السرى



## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- قاعده‌ی اعم اغلب در یک کلام کوتاه چنین است: اگر چیزی دارای بخش معلومی بود و بخش مجهولی و در بخش معلوم از اقلیت و اکثریتی برخوردار بود، بخش مجهول را بر اکثریت حمل می‌کنیم؛ مگر این که دلیلی بر خلاف آن بیابیم. مادامی که بر خلاف آن دلیلی وجود ندارد، آن بخش مجهول واجد حکم اکثریت خواهد بود. بنابراین اگر می‌دانیم اکثر تجار موجود در بازار، مسلمانند، هنگام مراجعه به مغازه‌ای که نمی‌دانیم صاحبش مسلمان است یا خیر، بر طبق قاعده وی را مسلمان قلمداد می‌کنیم، مگر این که احراز نماییم از غیر مسلمانان بازار می‌باشد.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- میرزای قمی به کثرت از این قاعده بهره برده است. از جمله‌ی آن موارد، بحث مورد نظر ما است، یعنی قاعده را در مورد افعال مشکوک حضرت رسول صلی الله علیه و آله تطبیق کرده است.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- ۵. اطلاقات و عمومات ادله‌ی تأسی، شامل تمامی رفتارها و گفتارها و از جمله رفتارها و گفتارهای مشکوک می‌شود. آیاتی چون «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة» «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول»، «و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» در زمره‌ی این ادله است.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- حضرت علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه با تمسک به آیهی ۲۱ سورهی احزاب، نمونه‌هایی از رفتار و منش پیامبر را ذکر و مردم را به تبعیت از حضرت صلی الله علیه و آله دعوت می‌نماید. به طور مثال می‌فرماید: حضرت صلی الله علیه و آله بر روی زمین می‌نشستند و غذا می‌خوردند، کفش و لباس خویش را وصله می‌زدند، سوار مرکب بدون زین می‌شدند و دیگری را نیز بر مرکب خود سوار می‌کردند و...

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم عليه السلام

• رسول الله

• وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا وَ كَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَ مَسَاوِيهَا إِذْ قُبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا وَ وَطَّئَتْ لِغَيْرِهِ أَكْنَافُهَا وَ فَطِمَ عَنْ رِضَاعِهَا وَ زُوِيَ عَنْ زَخَارِفِهَا

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم عليه السلام

- الرسول الأعظم
- فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ ص فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةٌ لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَّى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسَى بِنَبِيِّهِ وَ الْمُقْتَصُّ لِأَثَرِهِ قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا أَهْضَمُ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحًا وَ أَخْمَصُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ وَ حَقَّرَ شَيْئًا فَحَقَّرَهُ وَ صَغَّرَ شَيْئًا فَصَغَّرَهُ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِيْنَا إِلَّا حُبُّنَا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ تَعْظِيمُنَا مَا صَغَّرَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ لَكَفَى بِهِ شِقَاقًا لِلَّهِ وَ مُحَادَّةً عَنْ أَمْرِ اللَّهِ

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم عليه السلام

- (۱۹۷۲) تأسّ: أي اقتد.
- (۱۹۷۳) الْقَضْمُ: الأكل بأطراف الأسنان، كأنه لم يتناول إلا على أطراف أسنانه، و لم يملأ منها فمه.
- (۱۹۷۴) أَهْضَمُ: من الهضم: و هو خمص البطن، أي خلوها و انطباقها من الجوع.
- (۱۹۷۵) الْكَشْحُ: ما بين الخاصرة إلى الضلع الخلفي.
- (۱۹۷۶) أَخْمَصُهُمْ: أخلاهم.
- (۱۹۷۷) الْمُحَادَّةُ: المخالفة في عناد.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- دلیل رأی سوم
- آنها که معتقدند رفتارها و گفتارهای مشکوک پیامبر صلی الله علیه و آله بر دینی نبودن (و به تعبیر شهید اول بر شرعی نبودن) حمل می شود، اصل در رفتار و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله را همین می دانند. دلیل آنها اصالة العدم است و می گویند: شرعی و دینی بودن یک امر وجودی است و اصل عدم است.



## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- به عبارت دیگر این دسته معتقدند که ما فقط یک اصل سلبی داریم و آن این که اصل در اقوال و افعال پیامبر آن است که بیان حکم الهی نباشد؛ اما هیچ اصلی مبنی بر این که گفتار و رفتار، بیان حکم ولایی یا قضایی است، وجود ندارد و حتی نسبت به این که بیان حکم دینی نباشد، ساکت است. از آن سو، دینی بودن نیازمند مؤونه‌ی زایدی است، پس اصل عدم آن است.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- اگر قرینه یا بیان معصوم دلالت بر وجود آن چیز داشت، آن را به عنوان واجب اخذ می‌کنیم، اگر دلالت بر استحباب داشت، به عنوان مستحب و همین طور...
- بدیهی است در تمامی این بحث‌ها در نظر شیعه ائمه علیهم السلام، ملحق به حضرت رسول صلی الله علیه و آله هستند و اگر در جایی فقط به حضرت رسول صلی الله علیه و آله اشاره می‌شود و سخنی از ائمه علیهم السلام برده نمی‌شود، به دلیل آن است که اهل سنت این بحث را فقط در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح کرده‌اند. بنابراین اگر بعدها گفتارها و رفتارهای مشکوک حضرت رسول صلی الله علیه و آله را ناشی از شأن نبوت دانستیم، رفتارها و گفتارهای مشکوک ائمه علیهم السلام را نیز ناشی از شأن امامت به معنای علم الهی (یعنی شانی مشابه نبوت) خواهیم دانست و از این جهت بین آنان فرقی نیست.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- به عنوان مثال می توان به عبارت «من احيى ارضاً ميتةً فهى له» اشاره کرد. اگر این سخن حضرت صلی الله علیه و آله بیانگر حکمی ولایی باشد، یک قاعده‌ی عمومی شرعی ابتدایی نیست. بنابراین هر کس نمی تواند با یافتن زمین بائری که به احیای آن پرداخته است، مالک زمین شود؛ مگر این که حکومت وقت به او اجازه دهد. اما اگر این سخن، حکمی الهی را بیان نماید، احیا یکی از عوامل و مناشیء مالکیت اولیه خواهد بود. علمایی مثل شهید صدر با این که احتمال الهی بودن این حکم را تقویت می کنند، ولی اعتقاد دارند به لحاظ شرعی، مسأله‌ی احیا منوط به اذن حاکم است. این اعتقاد به استناد روایاتی در این زمینه است.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- این حکم در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله تأثیر بسیار زیادی در وضعیت اقتصادی آن زمان داشت. این سخن باعث شد مردم به احیای زمین تشویق شوند. هر کسی با سنگ چین نمودن یک زمین بائر، اعلام می نمود که مشغول احیای آن زمین است. تحجیر مالکیت نمی آورد؛ اما یک حق اولویت بود که به شخص فرصت لازم را برای فراهم آوردن مقدمات احیا می داد. بعد از این که یک زمین احیا می شد، احیا کننده ی آن، مالک زمین به حساب می آمد.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- لازم به ذکر است که از نظر اسلام زمین قابل تملک نیست و جزو اموال خصوصی به حساب نمی آید. زمین از اموال عمومی است که مردم فقط به اندازه‌ای که روی زمین ایجاد می نمایند، نسبت به آن حق پیدا می کنند.
- احزاب، ۲۱.

## قاعده در رفتارها و گفتارهای معصوم علیه السلام

- . نساء، ۵۹.
- . حشر، ۷.
- . نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.